

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

راه حل مرحوم شیخ در مطارح برای اشکال طهارات ثلاث

عرض کردیم مرحوم شیخ انصاری در کتاب مطارح الانظار برای حل اشکالی که در طهارات ثلاث وجود دارد این بیان را فرموده‌اند که در مقدمات عبادی مثل وضو، بر حسب اینکه یک امری ولو امر غیری به وضو تعلق پیدا کرده، این امر کاشف از وجود عنوان حسنی است در وضو، که قصد آن عنوان لازم است و عبادیت وضو و وجه توقف صلاة بر وضو، به جهت آن عنوان است. در وضو عنوانی موجود است که اگر آن عنوان را کنار بگذاریم، دیگر وجهی برای توقف صلاة بر وضو پیدا نمی‌کنیم.

نماز بر این غسلات و مسحات و بر خود این افعال ظاهریه توقف ندارد. نماز بر یک عنوانی که به جهت آن عنوان این وضو حسن شده، به جهت آن عنوان، امر به این وضو تعلق پیدا کرده و نماز از جهت آن عنوان، توقف بر وضو دارد.

به عبارت ساده و روشن اگر از ما بپرسند نماز به چه وجهی توقف بر وضو دارد و علت توقف نماز بر وضو چیست؟ می‌گوییم آن عنوانی که در ذات وضو موجود است. لکن آن عنوان چون برای ما مجهول است، از طرف دیگر لازم القصد است و تا آن عنوان را قصد نکنیم، وجه توقیفیت صلاة بر وضو محقق نمی‌شود.

پس این دو مطلب وجود دارد، یک عنوانی که ملاک توقف صلاة بر آن وضو به جهت آن عنوان است، از آن طرف این عنوان برای ما مجهول است. راه آن این است که امر غیری را قصد کنیم، یعنی همان امری که متعلق به وضو است را قصد کنیم، یعنی وضو را به داعی و به قصد آن امری که متعلق به وضو است انجام دهیم، لکن این امر اصالتی ندارد، بلکه این امر طریق و مرآة است برای اینکه آن عنوان مجهول را قصد کنیم.

مری که متعلق به وضو است انجام دهیم، لکن این امر اصالتی ندارد، بلکه این امر طریق و مرآة مرحوم شیخ بعد از اینکه این جواب را در کتاب مطارح بیان می‌کنند می‌فرمایند «کذا أفید»، و بعد اشکالی هم بر این مطلب وارد می‌کنند که آن اشکال را بر اشکالات بر این مطلب عرض می‌کنیم.

نتیجه پاسخ دوم از اشکال

تا اینجا جواب دوم ذکر شد. با این جواب دوم مشکل اینکه چرا وضو، غسل و تیمم عبادی هستند حل می‌شود. برای اینکه منشأ اشکال این بود که امر غیری عبادی نیست، اگر عبادیت از ناحیه امر غیری بخواهد برای ما حاصل شود، الان می‌گوییم عبادیت را امر غیری نیاورده، عبادیت را آن عنوان لازم القصد مجهول آورده است.

هكذا آن اشكال دور، كه اگر بخواهيم اين امر غيرى را امتثال كنيم، بايد وضو را در عالم خارج به قصد عبادى و قصد قربت انجام دهيم. پس امتثال، بر اتیان به قصد قربت توقف دارد، اتیان به قصد قربت هم بر خود این امر غیرى توقف دارد.

بيان دورى را كه مرحوم شيخ بيان فرموده‌اند اين بود كه امر غيرى توقف دارد بر اينكه اين عمل در عالم خارج به نحو عبادى انجام شود، چون اگر وضو را به قصد عبادت انجام ندهيد فايده‌اى ندارد. از آن طرف شما مى‌گويد اتیان عمل به قصد عبادت، از خود امر غيرى حاصل مى‌شود و هذا دور.

با اين بيان ديگر مشكل دور هم حل مى‌شود. چون عبادى بودن اينها معلول امر غيرى نيست، بلكه معلول آن عنوان لازم القصد مجهول است. پس مشكل دور هم حل مى‌شود.

بين اين بيان و آنچه مرحوم آخوند در كفايه گفته‌اند - ولو اينكه مرحوم آخوند در كفايه مى‌گويد ملخص كلام شيخ اين است - اضافاتى در كلام شيخ است كه به توضيح مطلب كمك مى‌كند. اگر سؤال كنيد چه چيزهاى در كلام شيخ است كه مرحوم آخوند نياورده؟ آنچه مرحوم آخوند در عبارت كفايه آورده‌اند اين است كه شيخ مى‌خواهد اثبات كند عباديت، معلول امر غيرى نيست.

عباديت، معلول آن عنوان حسنى است كه در ذات اين افعال وجود دارد. اين را شيخ هم در عباراتشان دارند. اما چند مطلب هم در عبارت شيخ بود كه در عبارت مرحوم آخوند نيامده است.

تفاوت بيان مرحوم آخوند با مرحوم شيخ

يك مطلب اين است كه در بعضى از مقدمات، ما علت توقف ذى المقدمه بر مقدمه را نمى‌دانيم. در افعال عادى مثل صعود على السطح مى‌دانيم مقدمه آن نصب سلم است. علت و ملاك توقف ذى المقدمه بر اين مقدمه براى ما روشن است. اگر نصب سلم نكنيم قدرت بر اينكه صعود بر سطح پيدا كنيم نداريم.

اما مى‌فرمايند در افعال شرعيه در بعضى موارد شارع چيزى را مقدمه بر ذى المقدمه‌اى قرار داده است، تيمم را مقدمه براى نماز قرار داده است، وضو را مقدمه براى نماز يا خواندن قرآن قرار داده است، اما هرچه فكر مى‌كنيم وجه توقف ذى المقدمه بر مقدمه چيست، نمى‌فهميم؟

فقط عقل ما مى‌گويد همين كه شارع حكيم يك امر غيرى را متوجه مقدمه كرده، كشف از آن مى‌كند كه يك عنوان حسنى در اين وجود دارد. آن عنوان حسن، ملاك توقف ذى المقدمه بر مقدمه است.

اين يك مطلب كه مطلب مهمى است و در تلخيصى كه مرحوم آخوند فرموده‌اند اين مطلب وجود ندارد. اين تلخيصى كه مرحوم آخوند فرموده‌اند به نظر من از مصاديق تلخيص مغلّ است، يعنى همه‌ى مطلبى كه مورد نظر اصلى شيخ است را بيان نكرده و اين مطلب مهمى است كه در عبارت كفايه اين مطلب را پيدا نمى‌كنيد.

مطلب ديگر اين است كه شيخ مى‌خواهد بفرمايد اينطور نيست كه هميشه حسن و قبح افعال براى ما روشن باشد. گاهى اوقات براى ما مجهول است و شارع بايد براى ما روشن كند كه اين عمل عنوان حسن دارد يا ندارد.

پس به اين دو مطلب با تلخيص مرحوم آخوند ضربه وارد شده و ذكر نشده است.

این هم یک راه دیگر برای حل آن اشکال مهم در طهارات ثلاث. آیا این راه قابل قبول است یا خیر؟ ابتداءً اشکالاتی که در کلمات بر این راه ذکر شده عرض کنیم.

اشکال مرحوم شیخ بر راه حل دوم

اولین اشکال را مرحوم شیخ در مطارح بیان کرده و مرحوم آخوند آن را ذکر نکرده است.

مرحوم شیخ می‌فرماید این جواب، «منقوض بجملة من المقدمات الشرعية التي لا نعرف وجه التوقف فيها»، ما در شریعت مقدمات زیادی داریم که علت توقف ذی المقدمه بر آن مقدمه را نمی‌فهمیم. در شریعت اینطور نیست که فقط وجه توقف ذی المقدمه بر مقدمه در طهارات ثلاث برای ما مطلوب باشد.

بسیاری از مقدمات در افعال شرعیه داریم که وجه توقف ذی المقدمه بر مقدمه برای ما مجهول است. آیا هر جا که علت توقف را نفهمیدیم، بگوییم آن مقدمه عبادی است؟ هر جا علت توقف مجهول بود بگوییم آن مقدمه یک عنوان حسنی در آن وجود دارد که به برکت آن حسن، عبادی می‌شود؟ این که نمی‌شود.

فرضا در باب حکم قاضی که مقدمات زیادی لازم دارد. در بسیاری از مقدمات هم انسان نمی‌تواند وجه توقف را بفهمد. بینه باید دو نفر باشد، مرد باشد، حال علت اینکه باید دو نفر باشد چیست؟ نمی‌فهمیم. علت اینکه در اجرای فلان حد باید چهار نفر باشد چیست؟ نمی‌فهمیم. در مسائل حج، زکات، خمس، موارد زیادی داریم که یک مقدمه و ذی المقدمه داریم، وجه توقف برای ما مجهول است.

این اشکال اول که خود شیخ این اشکال را بیان کرده است.

نقد مرحوم آخوند بر راه حل مرحوم شیخ

اشکال دوم که مرحوم آخوند در کفایه فرموده‌اند که این جواب استاد ما شیخ اعظم فقط مشکل عبادیت در طهارات ثلاث را حل می‌کند، اما مسأله ترتب ثواب را حل نمی‌کند.

اشکال این است که گفتیم امر غیری چون توصلی است، قانون کلی داریم که تمام اوامر غیری، توصلی است. توصلی نیاز به قصد قربت ندارد. آنگاه اشکال کرده‌اند که چرا طهارات ثلاث، قصد قربت لازم دارد. گفتیم فرق بین امر نفسی و امر غیری این است که بر موافقت امر نفسی، ثواب مترتب است و بر موافقت امر غیری ثواب مترتب نیست. اشکال کردیم پس چرا بر موافقت وضو، غسل و تیمم ثواب مترتب است. کسی وضو گرفت و بعد عمداً نماز نخواند بر همین وضو ثواب مترتب می‌کنند.

آخوند در اشکالی که مرحوم شیخ دارند می‌گویند این راهی که شما برای ما درست کرده‌اید یک عنوان قصدی مجهول را برای ما در اینجا ذکر کرده‌اید، این اشکال عبادیت را حل می‌کند. می‌گوییم عبادیت طهارات ثلاث از ناحیه امر غیری نیامده است. اما ترتب ثواب را حل نمی‌کند، که به چه ملاکی بر موافقت آنها ثواب مترتب است.

اگر می‌گفتیم بر موافقت امر غیری ثواب مترتب است، حال شما که می‌گویید امر غیری خود ثواب ندارد، آن عنوان هم فقط

مشکل عبادیت را حل می‌کند.

پاسخ استاد از اشکال مرحوم آخوند و دفاع از مرحوم شیخ

این اشکال مرحوم آخوند به نظر ما به شیخ وارد نیست.

برای اینکه مرحوم شیخ در کتاب مطارح صفحه 71، عمده اشکال را عبادیت آورده است و به مسأله ترتب ثواب توجهی نکرده است. قصد اصلی مرحوم شیخ، حل مشکل عبادیت است. عبادیت، بنظر مرحوم شیخ دو اشکال دارد. یکی اینکه اوامر غیریه نیاز به قصد قربت ندارد و تعبدی نیستند بلکه توصلی هستند و دوّم اشکال دور است. آنچه مرحوم شیخ می‌خواهد حل کند این است و لذا مرحوم شیخ در مقام حل مسأله ثواب نیست، پس این اشکال مرحوم آخوند به شیخ وارد نمی‌شود.

و باید توجه داشت که ملازمه ندارد، اگر مشکل عبادیت حل شد اینطور نیست که مسأله ثواب باشد.

ببینید در مسأله عبادیت بعضی از آقایان فرموده‌اند که بین این دو ملازمه است. خیر، بین این دو ملازمه‌ای وجود ندارد که بگوییم این باید به قصد عبادت انجام شود و ثواب هم بر آن مترتب شود. بدلیل اینکه اگر شما تمام نماز را به قصد عبادت خواندید، اما سلام آن را ریایی انجام دادید، یا مشکلی در آن وجود داشت، نماز شما باطل است. اینجا آیا کسی می‌گوید حال که به قصد عبادی انجام داده‌اید، باید به شما ثواب داده شود. بین مسأله عبادیت و مسأله ثواب ملازمه نیست.

ممکن است عملی را به قصد قربت و عبادیت انجام دهید، اما ثوابی بر آن مترتب نباشد.

اشکال دوم مرحوم آخوند بر مرحوم شیخ

اشکال دیگری که مرحوم آخوند بر مرحوم شیخ دارند این است که شما عنوان مجهول لازم القصدی را برای ما درست کردید، بعد گفتید برای اینکه ما آن عنوان را قصد کنیم، باید وضو را به داعی آن امر غیری انجام دهیم و گفتید آن امر غیری مانند آینه‌ای است نسبت به آن عنوان.

اشکال این است که آنچه شما می‌خواهید این است که آن عنوان قصد شود. آنچه اثبات کردید این است که در ذات طهارات ثلاث عنوان حسنی وجود دارد که باید قصد شود. اما چرا به داعی امر غیری؟ بلکه شما می‌توانید این امر غیری را از داعی بودن خارج کنید و به نحو توصیفی ذکر کنید.

شیخ می‌فرمود باید بگوییم وضو را انجام می‌دهم به قصد آن امر غیری که متعلق به وضو است. آخوند می‌گوید، بگویید وضویی را که مأمور به است اتیان می‌کنم. یعنی مأمور به بودن آن را بعنوان توصیفی قرار دهیم نه بعنوان داعی.

البته این اشکال مهمی نیست و فقط از این جهت است که می‌خواهد به مرحوم شیخ بگوید برای رسیدن به آن عنوان راه منحصر به این است. چون در ذهن مرحوم شیخ این بوده که بالاخره اگر این مکلف بخواهد وضو را صحیح انجام دهد، باید به قصد امر غیری انجام دهد. اما امر غیری اصالت ندارد و طریق برای رسیدن به عنوان حسن است.

مرحوم آخوند می‌گوید اگر می‌خواهید به آن عنوان برسید، لزومی ندارد فقط به قصد امر غیر انجام دهیم و امر غیری را بعنوان داعی قرار دهیم. اگر بعنوان صفتیت هم انجام شود کافی است. تا اینجا سه اشکال.

دو اشکال دیگر به ذهن ما رسیده که در کلمات نیست:

اشکال اوّل: مرحوم شیخ فرمودند این افعال وضو، غسل و تیمم یک عنوان ذاتی حسن در آنها وجود دارد که به آن جهل داریم و نمی‌دانیم و حیث اینکه شارع به اینها امر کرده، این امر کاشف از این است که این افعال دارای عنوان حسن است. اگر امر نفسی باید کاشف از عنوان حسن باشد، اما امر غیری کاشف از عنوان حسن نیست، اگر این افعال، امر نفسی داشتند حال چه امر نفسی و جویی و چه استحبابی، امر نفسی حتما ملازمه دارد با اینکه این افعال حتما عنوان حسنی در آنها باشد. اما خود شما هم قبول دارید، امری که نسبت به مقدمات طهارات ثلاث است، غیری است. و امر غیری برای ما چنین کاشفیتی ندارد. امر غیری می‌گوید این خودش چیزی نیست و این برای این است که شما را به ذی المقدمه برساند. این عنوان مقدمیت و طریقیت دارد.

اشکال دوّم: مرحوم شیخ فرمودند امر غیری مرآة برای عنوان مجهول است. طبق بیان شیخ اگر مکلف توجه به این طریقیت و مرآتیت داشته باشد این مقدمات به نحو عبادی انجام می‌شود. یعنی من مکلف می‌گویم وضو را به قصد امر غیری متعلق به وضو انجام می‌دهم و می‌دانیم این امر غیری، مرآة برای آن عنوان ذاتی در وضو است. اگر این توجه باشد درست است.

اما طبق بیان مرحوم شیخ کسی که اصلا توجه به این مرآتیت ندارد، یا بنا را بر عدم مرآتیت می‌گذارد، باید بگوییم این قصد امر غیری دیگر کافی نیست. به مجرد اینکه قصد امری غیری کرده، کفایت در مقدمیت آنها نداشته باشد، در حالی که تمام فقهاء نظرشان این است که اگر کسی وضو را به قصد امر غیری متعلق به وضو انجام داد کافی است.

نتیجه بررسی راه حل دوم مرحوم شیخ از اشکال طهارات ثلاث

نتیجه این شد که راه حل دوّم مرحوم شیخ، یک اشکال خود شیخ بیان فرمود و دو اشکال مرحوم آخوند بیان کردند و دو اشکال هم ما بیان کردیم. با این پنج اشکال مواجه است. اما دیروز عرض کردم عمده، راه حل بعدی است که مرحوم شیخ بیان می‌کند.

حتما عبارت کفایه و عبارت مرحوم شیخ در مطارح را ببینید.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين